

The relationship between holy jihad and national dignity and authority from the perspective of the Holy Quran

Zahra Torabian

Level 4 student, Comparative Tafsir, Al-Zahra Specialized Seminary (S)

Gorgan.

z.thosna@gmail.com

Abstract

National honor and authority are considered central concepts in the political-social thought of the Holy Quran; however, the relationship of these two concepts with "jihad" has been less systematically studied with an interpretative-analytical approach. The main issue of the present research is to explain the role of jihad (in the general and specific Quranic sense) in realizing national honor and authority from the perspective of authentic verses and interpretations. This article, using a descriptive-analytical method and using library resources, has identified verses related to jihad and honor and has conducted a content analysis based on interpretations. The results of the research show that the Holy Quran introduces jihad in several basic roles in realizing national honor and authority: a defensive shield against aggression, a tool for liberating the oppressed, a factor of national unity and cohesion, and the basis of self-dignity and collective self-confidence. Jihad in the Quran is also bound by strict moral rules (such as prohibiting aggression, calling for peace, and giving safety to the enemy) that distinguish it from tribal violence and terrorist acts.

Keywords : Jihad, dignity, national authority, Holy Quran, anti-arrogance

العلاقة بين الجهاد المقدس والكرامة الوطنية والسلطة من منظور

القرآن الكريم

زهرا تريبان

الملخص

يُعدّ كلّ من الشرف الوطني والسلطة الوطنية مفهومين محوريين في الفكر السياسي والاجتماعي للقرآن الكريم؛ إلا أن العلاقة بين هذين المفهومين و"الجهاد" لم تُدرس بشكل منهجي كافٍ من منظور تفسيري تحليلي. وتتمثل القضية الرئيسية لهذا البحث في توضيح دور الجهاد (بمعناه القرآني العام والخاص) في تحقيق الشرف الوطني والسلطة الوطنية من منظور الآيات الصحيحة والتفاسير. وقد حددت هذه المقالة، باستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبلاستعانة بالمصادر المكتبية، آياتٍ متعلقة بالجهاد والشرف، وأجرت تحليلاً للمضمون بناءً على التفاسير. وتُظهر نتائج البحث أن القرآن الكريم يُقدّم الجهاد في عدة أدوار أساسية لتحقيق الشرف الوطني والسلطة الوطنية: درعٌ واقٍ من العدوان، وأداةٌ لتحرير المظلومين، وعاملٌ في الوحدة الوطنية والتماسك، وأساسٌ للكرامة الذاتية والثقة الجماعية بالنفس. إن مفهوم الجهاد في القرآن الكريم مرتبطٌ أيضاً بقواعد أخلاقية صارمة (مثل تحريم العدوان، والدعوة إلى السلام، وحماية العدو) تميزه عن العنف القبلي والأعمال الإرهابية.

الكلمات المفتاحية: الجهاد، الكرامة، السلطة الوطنية، القرآن الكريم، مناهضة الكبرياء

رابطه جهاد مقدس با عزت و اقتدار ملی از منظر قرآن کریم

زهرا ترابیان

طلبه سطح ۴، تفسیر تطبیقی، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (ع) گرگان

z.thosna@gmail.com

چکیده

عزت و اقتدار ملی از مفاهیم محوری در اندیشه سیاسی - اجتماعی قرآن کریم به شمار می‌روند؛ اما نسبت این دو مفهوم با «جهاد» کمتر به صورت نظام‌مند و با رویکرد تفسیری - تحلیلی بررسی شده است. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، تبیین نقش جهاد (در معنای عام و خاص قرآنی) در تحقق عزت و اقتدار ملی از منظر آیات و تفاسیر معتبر است. این مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، آیات مرتبط با جهاد و عزت را شناسایی کرده و با استناد به تفاسیر، تحلیل محتوایی نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم جهاد را در چند نقش اساسی در تحقق عزت و اقتدار ملی معرفی می‌کند: سپردفاعی در برابر تجاوز، ابزار آزادی مستضعفان، عامل وحدت و انسجام ملی، و مبنای کرامت نفس و خودباوری جمعی. همچنین جهاد در قرآن مقید به قواعد اخلاقی سخت‌گیرانه‌ای (نظیر نهی از تعدی، دعوت به صلح و امان دادن به دشمن) است که آن را از خشونت‌های قبیله‌ای و اقدامات تروریستی متمایز می‌سازد. واژگان کلیدی: جهاد، عزت، اقتدار ملی، قرآن کریم، استکبارستیزی.

مقدمه

علی‌رغم اهمیت و کاربرد گسترده دو مفهوم «جهاد» و «عزت» در متون دینی و نیز در گفتمان سیاسی جوامع اسلامی، نسبت میان این دو، به‌ویژه نقش جهاد در تحقق عزت و اقتدار ملی، به‌صورت نظام‌مند و مبتنی بر روش تفسیری-تحلیلی کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه در منابع موجود عمده‌تأ مشاهده می‌شود، یا پرداختن به هریک از این مفاهیم به‌طور جداگانه است (مطهری، ۱۳۷۸، صص ۷۸-۴۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۵)، یا طرح مسئله در قالب نوشته‌های کوتاه و غیرعلمی با رویکرد خطابی و تبلیغی (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۲). از سوی دیگر، تحریف معنای جهاد توسط برخی رسانه‌های غربی و نیز برخی گروه‌های افراطی، و همچنین القای این تصور که جهاد با عزت و کرامت انسانی در تعارض است، ضرورت بازخوانی دقیق و علمی نسبت این دو مفهوم را دوچندان می‌کند.

در میان پژوهش‌های پیشین، آثار علامه طباطبایی در *المیزان* (۱۴۱۷ق، ج ۲، ۴، ۵، ۹، ۱۷، ۱۸) و آیت‌الله مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه* (۱۳۷۴، ج ۱، ۲، ۳، ۷، ۱۸، ۲۱) به‌صورت پراکنده به رابطه جهاد و عزت اشاره کرده‌اند. در منابع فارسی، کتاب «جهاد» استاد مطهری (۱۳۷۸) از جمله آثار کلاسیک در این حوزه است؛ اما تمرکز آن بر ابعاد فقهی و فلسفی جهاد است و به عزت ملی به‌عنوان یک مفهوم سیاسی-اجتماعی به‌صورت مستقل پرداخته است. همچنین مقاله «تحلیل

مفهوم عزت در قرآن» (حسینی و رضایی، ۱۳۹۵) و پژوهش «جهاد در قرآن و نسبت آن با صلح» (کریمی، ۱۳۹۸) هریک به یکی از این دو مفهوم پرداخته‌اند اما پیوند دوسویه میان «جهاد» و «عزت ملی» با رویکرد تفسیر موضوعی و با استناد نظام‌مند به آیات و تفاسیر معتبر، همچنان مغفول مانده است. از این رو نوشتار حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد.

معنای لغوی و اصطلاحی جهاد

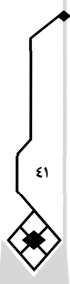
واژه «جهاد» مصدر باب مفاعله از ریشه ثلاثی «ج-ه-د» است. اصل معنای لغوی، جهاد به کارگیری نهایت توان و تحمل مشقت در مسیر خیر و حق است که دلالت بر قوت و غلبه دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۴۸۹) از این رو، جهاد در لغت به هیچ وجه محدود به جنگ و قتال نیست، بلکه هرگونه کوشش همراه با دشواری را در بر می‌گیرد.

معنای اصطلاحی جهاد در قرآن

قرآن کریم از واژه «جهاد» و مشتقات آن در معانی متعددی استفاده کرده است که مهمترین آنها عبارتند از:

الف) جهاد با مال و جان (جهاد اصغر):

در آیات متعددی، جهاد در کنار ایمان و هجرت به عنوان یکی از سه رکن اساسی سعادت مؤمنان معرفی شده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره ۲۱۸)



مفسران این نوع جهاد را ناظر به نبرد نظامی مشروع در راه خدا دانسته اند. طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۵)

ب) جهاد با قرآن (جهاد کبیر: فرهنگی و تبیینی):

آیه ۵۲ سوره فرقان می فرماید: «وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». در تفسیر «به» گفته شده است که ضمیر به قرآن یا به حقیقتی که پیامبر آورده باز می گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۲۱۸) از این رو جهاد کبیر به معنای مقابله فکری و استدلالی با کافران با استفاده از قرآن است.

ج) جهاد با کافران و منافقان:

در آیه ۹ سوره تحریم آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»

جهاد با کافران غالباً با شمشیر و نبرد نظامی و جهاد با منافقان با زبان و برهان و اقامه حد دانسته شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۲۶۸).

معنای لغوی و اصطلاحی عزت

«عزت» در لغت از ریشه «ع-ز-ز» به معنای قوت، غلبه، شدت، نفوذناپذیری است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۵۶) بنابراین عزت مفهومی دووجهی دارد: هم قدرت تهاجمی (غلبه) و هم قدرت دفاعی (نفوذناپذیری).

مفهوم عزت در قرآن

قرآن کریم در حدود ۳۵ آیه از واژه «عزت» و مشتقات آن استفاده کرده است.

مهمترین ویژگی عزت از منظر قرآنی، توحیدی بودن منشأ آن است :

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا « (فاطر: ۱۰) طبق این آیه، هر عزت و غلبه ای در جهان چه حقیقی و چه ظاهری - در تحلیل نهایی به خدا بازمیگردد و هیچ عزتی جز از جانب خدا نیست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳)

نقش جهاد در عزت و اقتدار ملی از منظر قرآن

پس از تبیین مبانی مفهومی جهاد و عزت در این بخش به تحلیل نظام مند و مستند نقش های عینی جهاد در تحقق عزت و اقتدار ملی میپردازیم. هفت نقش اساسی برای جهاد قابل شناسایی است که هر یک به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اقتدار ملی از جمله قدرت بازدارندگی، نفی سلطه، وحدت ملی و خودباوری جمعی تأثیر می گذارد.

جهاد به عنوان سپر دفاعی در برابر تجاوز (بازدارندگی)

قرآن کریم در آیه ۶۰ سوره انفال می فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ

...».

این آیه یکی از محکم ترین دستورات قرآنی در زمینه آمادگی دفاعی است. از منظر علم سیاست و روابط بین الملل این آیه به اصل «بازدارندگی» اشاره دارد، اصلی که بر اساس آن، قدرت نظامی یک کشور مانع از تجاوز دشمن می شود. علامه طباطبایی می نویسد: امر خداوند به آمادگی قوه برای این است که



دشمن از حمله به مسلمانان بیمناک شود؛ زیرا اگر دشمن احساس ضعف کند، طمع ورزیده و حمله خواهد کرد. بنابراین عزت مسلمانان در گرو قدرت نظامی آنان است» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۱۱۹)

آیت الله مکارم شیرازی نیز «قوة» را شامل هر نوع قدرتی اعم از نظامی، تسلیحاتی اقتصادی، اطلاعاتی و حتی روانی دانسته و «رباط الخیل» را کنایه از آمادگی دائم و مرزبانی فعال می داند (م کارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۷۶)

آیت الله قرائتی نیز در تفسیر نور با اشاره به کاربرد معاصر آیه مینویسد: «این آیه دستور آماده باش همه جانبه مسلمانان در برابر دشمنان و تهیه هر نوع سلاح امکانات و شیوه های {نظامی} را می دهد که رعایت این دستورات، سبب هراس کفار از نیروی رزمی مسلمانان می شود. (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۴۴). از منظر روش شناختی، این آیه یک «تکلیف جمعی» (فرض کفایی) را تشریع می کند که بر عهده حکومت اسلامی است و ترک آن موجب سلب عزت و امنیت ملی خواهد شد.

جهاد ابزار آزادی مستضعفان و عزت آفرینی در عرصه بین الملل

قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره نساء با لحنی عتاب آمیز و پرسش برانگیز می فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا لَدُنْكَ نَصِيرًا». این آیه جهاد را به دفاع از مستضعفان پیوند

میزند. بنا بر شأن نزول آیه، این فرمان خطاب به مسلمانانی صادر شد که در مکه تحت شکنجه مشرکان بودند و توان هجرت نداشتند. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۵۰۴) چنان که ابن عباس نقل می کند: من و مادرم از جمله این مستضعفان بودیم» (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۰۷)

از منظر تحلیل محتوا، سه عنصر اساسی در آیه قابل شناسایی است: نخست، «مستضعفین» به معنای کسانی که قدرت دفاع از خود ندارند و تحت ستم اند؛ دوم، «قریه ظالم اهلها» که نماد هر جامعه ستمگراست و سوم، درخواست مستضعفان برای (ولی) و (نصیر) که نشان دهنده نیاز مبرم به رهبری و یاری است.

از منظر عزت ملی دفاع از مستضعفان جهان نه تنها یک وظیفه انسانی، بلکه عامل ارتقای عزت و اعتبار بین المللی جامعه اسلامی است. کشوری که پرچمدار حمایت از مظلومان جهان است، در نظام بین الملل به عنوان یک قدرت اخلاقی شناخته می شود و این خود مؤلفه ای از قدرت نرم به شمار می آید. برعکس، بی تفاوتی نسبت به ظلم، بستر ساز ذلت و انزوای اخلاقی خواهد بود.

جهاد عامل وحدت و انسجام ملی (نهی از تنازع)

خداوند در آیه ۴۶ سوره انفال می فرماید:

«وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ». معنای «تنازع» در



این آیه کشمکش و اختلاف داخلی است. «فشل» به معنای سستی، ضعف و ترس است. «ریح» (باد) در فرهنگ عرب کنایه از دولت قدرت، شوکت، پیروزی و عزت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۷۴) علامه طباطبایی ذیل این آیه می نویسد: (نزاع و اختلاف سبب فشل (ضعف) و زوال ریح (قدرت و غلبه) می شود. اگر مسلمانان متحد باشند، دشمن جرأت تعرض ندارد؛ ولی اگر اختلاف کنند دشمن طمع کرده و بر آنان چیره می شود (طباطبایی ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۱۲۵).

از منظر روان شناسی اجتماعی، وجود تهدید خارجی و احساس خطر مشترک، قویترین عامل ایجاد همبستگی درون گروهی است. (جهاد) از طریق برجسته سازی دشمن مشترک و ضرورت دفاع جمعی، به وحدت ملی دامن می زند. در مقابل، فقدان رویکرد جهادی و ایجاد احساس امنیت کاذب، زمینه اختلافات داخلی را فراهم می کند. به همین دلیل، جوامعی که از روحیه جهادی برخوردارند، انسجام و عزت پایداتری دارند..

جهاد مبنای کرامت نفس و خودباوری جمعی (عزت روحی)

آیه ۱۳۹ سوره آل عمران پس از شکست ظاهری مسلمانان در غزوه احد نازل شده است و خطاب آن به مومنانی است که در اثر این رخداد دچار ضعف روحیه، اندوه و اضطراب شده بودند:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»

این آیه را می توان نوعی مداخله روانی- تربیتی الهی دانست. «لاتهنوا به معنای سست نشدن، ضعف نشان ندادن، واز دست ندادن اراده است. همچنین «لاتحزنوا ناظر به نهی از اندوه، یاس و فروپاشی روانی در برابر شکستها و فشارهاست. عبارت (أنتم الأعلون) نیز بیانگر آن است که مؤمنان، در صورت حفظ ایمان و پایبندی به لوازم آن، از جایگاه برتر و عزتمندانه ای برخوردارند؛ هرچند در یک نبرد ظاهری با ناکامی مواجه شده باشند. به تعبیر آیت الله قرائتی، مراد آیه آن است که مسلمانان نباید با یک شکست مقطعی احساس خواری و فرودستی کنند، زیرا عزت حقیقی آنان در ایمان و پیوند با خداوند ریشه دارد (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۴)

بررسی ساختار آیه نشان می دهد که این برتری، مطلق و بی قید نیست، بلکه به شرط ایمان وابسته است: (ان کنتم مومنین) با این حال، ایمان در منطق قرآن صرفاً یک ادعای ذهنی یا زبانی نیست، بلکه باید در عرصه عمل اجتماعی و دفاع از حق ظهور یابد. از این منظر، جهاد می تواند نشانه صدق ایمان و در عین حال عامل تحقق عزت نفس جمعی باشد. قرآن با این آیه به جامعه اسلامی القا می کند که هویت ایمانی و جهادی آنان، حتی در شرایط فشار، سختی و شکست های موقت، آنان را در موقعیتی برتر قرار می دهد. چنین نگرشی، نوعی عزت درونی و نفوذناپذیر ایجاد می کند؛ عزتی که وابسته به پیروزی های زودگذر نیست، بلکه برایمان، مقاومت و مسئولیت پذیری استوار است. در مقابل، جوامعی که فاقد چنین پشتوانه معرفتی و روانی هستند، ممکن است با هر



شکست یا تهدیدی دچار تزلزل روحی، احساس فرودستی و انفعال اجتماعی شوند.

نکته مهم آن است که کارکردهای جهاد در قرآن، از جمله تقویت ایمان، انسجام اجتماعی، خودباوری جمعی و عزت عمومی نه تنها با یکدیگر تعارض ندارند بلکه یکدیگر را تقویت می‌کنند برای نمونه، وحدت ملی بدون خودباوری جمعی پایدار نمی‌ماند و خودباوری جمعی نیز بدون پیروزیهای عینی تداوم نمی‌یابد از این رو، می‌توان جهاد در منظومه قرآنی را نوعی سرمایه اجتماعی دانست که اعتبار، هویت و اقتدار جامعه اسلامی را تأمین می‌کند.

در مقابل، ترک جهاد مشروع یا تحریف آن به خشونت بی‌قاعده و ضدانسانی، جامعه را از این سرمایه معنوی و اجتماعی محروم می‌سازد و زمینه‌ساز ذلت، انحطاط و فروپاشی هویتی می‌شود. بنابراین، تبیین چارچوب اخلاقی جهاد ضرورتی اساسی دارد؛ زیرا تنها در پرتو این چارچوب می‌توان مرز میان جهاد قرآنی، به مثابه کنشی مسئولانه، عادلانه و عزت‌آفرین، و خشونت‌های افسارگسیخته و غیرانسانی را روشن ساخت.

چارچوب اخلاقی جهاد: شرط عزت در قرآن

اصل نهی از تعدی (العدل و الحدود)

یکی از اساسی‌ترین قواعد اخلاقی جهاد در قرآن، منع هرگونه تجاوز و زیاده روی در جنگ است. آیه ۱۹۰ سوره بقره به روشنی این اصل را بیان می‌کند:

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ».

از این آیه چند نکته مهم قابل استنباط است: نخست آنکه جهاد ماهیتاً دفاعی است و در منطق قرآن ماهیتی محدود و ضابطه مند دارد و نبرد تنها با کسانی جایز است که به جنگ با مسلمانان برخاسته اند. دوم آنکه تعبیر «وَلَا تَعْتَدُوا» نهی صریح از هرگونه تجاوز از حدود الهی در جنگ است. این تجاوز می تواند مصادیق گوناگونی داشته باشد؛ از جمله کشتن غیرنظامیان، تعرض به زنان و کودکان، آزار سالخوردهگان، تخریب بی ضابطه اموال و زیرساخت های غیرنظامی و هرگونه رفتاری که خارج از چارچوب عدالت و انسانیت باشد.

علامه طباطبایی در المیزان ذیل این آیه می نویسد: «الاعتداء هو تجاوز الحد، والحد هنا هو قتال من یقاتلکم فلا یجوز قتل من لا یقاتل من النساء والصبيان والشيوخ والرهبان و من ألقى إليکم السلام (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۱۵۶) در این آیه اسلام با صراحت میگوید از حد نگذرید حتی در میدان جنگ تعرض به پیران، زنان کودکان و کسانی که سلاح بر زمین گذاشته اند، ممنوع است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۴)

این قاعده اخلاقی به تنهایی جهاد اسلامی را از جنگهای قبیله ای و تروریستی که در آنها غیرنظامیان هدف قرار میگیرند، کاملاً جدا می سازد. پایبندی به این اصل نه تنها نشان دهنده ماهیت اخلاقی جهاد در اسلام است، بلکه عزت اخلاقی جامعه اسلامی را نیز در افکار عمومی حفظ می کند و مانع از آن می شود که جهاد قرآنی به عنوان خشونتی بی ضابطه و غیرانسانی معرفی گردد.



اصل دعوت به صلح و پذیرش آن

یکی دیگر از اصول اخلاقی جهاد در قرآن، پذیرش صلح در صورت تمایل طرف مقابل است.

قرآن کریم در آیه ۶۱ سوره انفال می فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». جنوح به سوی صلح به معنای تمایل و گرایش دشمن به ترک مخاصمه و برقراری آرامش است. در چنین شرایطی، قرآن مسلمانان را نه تنها به پذیرش صلح بلکه به «جنوح» متقابل و ابراز حسن نیت فرامی خواند. این آیه نشان می دهد که جهاد در منطق قرآن هرگز به معنای جنگطلبی یا توسعه طلبی نیست، بلکه هدف نهایی برقراری امنیت، عدالت و صلح پایدار است.

مفسران تأکید کرده اند که حتی اگر احتمال نیرنگ و فریب از سوی دشمن وجود داشته باشد باز هم ظاهر صلح باید پذیرفته شود و خداوند ضامن حفظ مؤمنان است. (قرائتی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۴۵). لذا اگر دشمن به سوی صلح مایل شد، تونیز مایل شو و از آن سرباز، نزن زیرا این نشانه قوت و اعتماد به خداست، نه ضعف» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۲۳۴). از منظر عزت ملی، پذیرش صلح در شرایط مناسب، نشانه عقلانیت و دوراندیشی است و از فرسایش نیروها جلوگیری می کند. در مقابل اصرار بر ادامه جنگ در شرایطی که دشمن خواهان صلح است، نشانه تعصب و نابخردی است و عزت جامعه را مخدوش می سازد. از این رو، قرآن با این دستور تلاش می کند میان قدرت دفاعی و



عقلانیت سیاسی تعادل برقرار سازد و جهاد را در چارچوبی اخلاقی و عقلانی هدایت کند.

اصل امان دادن به پناهندگان دشمن (استجاره)

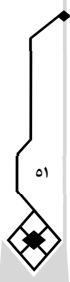
یکی دیگر از اصول مهم اخلاقی جهاد در قرآن، رعایت اصل امان دادن به دشمن در صورت درخواست پناهندگی است

آیه ۶ سوره توبه به مسلمانان فرمان می دهد:

«وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ».

واژه «استجاره» در این آیه به معنای درخواست پناهندگی و امان است. قرآن حتی به مشرکانی که با مسلمانان در جنگ اند، در صورت درخواست پناهندگی، حق امان میده؛ این امان صرفاً امان موقتی و ظاهری نیست، بلکه تا زمانی که پیام الهی را بشنوند و سپس به مکانی امن بازگردانده شوند، ادامه می یابد. این آیه بیانگر سطح بالایی از کرامت انسانی و اخلاق در منطق جهاد اسلامی است. مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می نویسد که این حکم از قوانین پیشرفته اسلام در حوزه روابط جنگی به شمار می رود؛ زیرا مسلمانان حتی در شرایط جنگ نیز موظف اند به دشمنی که درخواست امان می کند پناه دهند و او را در امنیت کامل به مقصد برسانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۴۸)

از منظر عزت بین المللی نیز رعایت این اصل می تواند چهره ای عادلانه و رحمانی از اسلام ارائه دهد و مشروعیت اخلاقی جهاد را در افکار عمومی جهانی



تقویت کند. در مقابل، نقض این اصل و بی‌توجهی به حقوق انسانی حتی در میدان جنگ، نه تنها با تعالیم قرآن ناسازگار است، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز بی‌اعتمادی، انزوا و تضعیف جایگاه اخلاقی جامعه اسلامی شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم برای تحقق عزت و اقتدار جامعه اسلامی، چارچوبی منسجم و عمل‌گرا ارائه می‌دهد که محور آن «جهاد اخلاقی همه‌جانبه» است. در این چارچوب، جهاد صرفاً به معنای رویارویی نظامی نیست، بلکه مجموعه‌ای از تلاش‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و دفاعی را در بر می‌گیرد که همگی در چارچوب اصول اخلاقی و عدالت محور قرآن سامان می‌یابند.

در جهان معاصر، قدرت‌های رسانه‌ای و سیاسی گاه با بهره‌گیری از ابزارهای گسترده ارتباطی، تصویری خشن و غیرانسانی از مفهوم جهاد اسلامی ارائه می‌کنند و آن را مترادف با خشونت و افراط‌گرایی معرفی می‌نمایند. در چنین فضایی، بازخوانی دقیق، علمی و مبتنی بر منابع اصیل قرآنی از مفهوم جهاد، ضرورتی جدی برای تبیین حقیقت این آموزه دینی به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، برخی گروه‌های افراطی که خود را منتسب به جهاد می‌دانند، با رفتارهایی که آشکارا با اصول اخلاقی و تعالیم قرآنی ناسازگار است. مانند کشتار غیرنظامیان، تخریب اماکن عبادی و رفتارهای خشونت‌آمیز خارج از چارچوب

انسانی - چهره‌ای مخدوش از اسلام در افکار عمومی جهان ایجاد کرده‌اند. این اقدامات نه تنها با مبانی قرآنی جهاد سازگار نیست، بلکه در تعارض آشکار با اصولی همچون منع تجاوز، رعایت کرامت انسانی و پذیرش صلح قرار دارد.

منابع و ماخذ

*قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد ۱۴۰۴ق، مقایس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامي
۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳)، تفسیر اثنی عشری، تهران انتشارات اسلامیة
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۷)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن
۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة
۶. موسوی، سید محسن، (۱۳۹۵)، «مقایسه قواعد جهاد اسلامی با حقوق بشر دوستانه بین الملل»، مجله حقوق بین الملل اسلامی، سال ۴، شماره ۷، صص ۱۰۵-۱۲۶.